

بررسی نظام مالیاتی ایران در عصر ایلخانی با تکیه بر گزارش های کتاب نزه القلوب حمدا... مستوفی قزوینی

دکتر احسان اشراقی

استاد گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران

حسن شادپور

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

همانطور که می دانیم حاکمیت و معول تشکیلات ایلخانان در ایران از ادوار مهم و سرنوشت ساز تاریخ این کشور محسوب می شود.

نظام مالیاتی که در این دوره به کار گرفته می شد از ویژگیهای خاصی برخوردار بود از سویی ریشه در آداب و رسوم کوچرویی داشت که از آن همه مردم ملزم به پرداخت آن بودند. از سوی دیگر با ورود به ایران و ممالک دیگر، سنت ها و روش های مالیاتی ملل مغلوب در بین آنان مورد پذیرش واقع شده و تا جایی که منافع آنها را تأمین می کرد به کار گرفته می شد.

کتاب نزه القلوب تألیف حمدا... مستوفی قزوینی اثری است که به طور دقیق و مفصل در رابطه با میزان مالیات ها و چگونگی اخذ آنها مطالبی را بیان نموده است. با توجه به اینکه حمدا... مستوفی خود در مصدر امور قرار داشته و به دفاتر و گزارش های دولتی دسترسی داشته لذا گزارش های وی برای ما از اهمیت زیادی برخوردار است مقاله حاضر تلاش می کند با تأکید بر مطالب نزه القلوب به بررسی نظام مالیاتی ایلخانان بپردازد.

واژگان کلیدی: ایران-ایلخانان- نزه القلوب حمدا...- مستوفی قزوینی، مالیات

مقدمه :

در رابطه با نظام مالیاتی مغول و ایلخانان منابع عصر مغول مطالبی را به اختصار و چه به تفصیل بیان کرده اند. در این میان منابعی برای ما مهم می باشند که مؤلف آن خود در مصدر کار بوده و یا به اطلاعات و گزارش های مالیاتی و چگونگی اخذ آنها اطلاعات کافی داشته باشد. کتاب نزهه القلوب حمدا... مستوفی جزو آن دسته کتاب هایی است که اطلاعات دست اول و خوبی را در جهت میزان مالیات هر یک از ایالات در دوره حاکمیت ایلخانان و حتی مقایسه با قبل از این دوره به ما می دهد. مؤلف این اثر نیز یعنی حمدا... مستوفی قزوینی همانطوری که از عنوانش مشخص است کسی بود که در مصدر کار قرار داشته و خود و نیاکانش به شغل مستوفی گری که همانا نظم و نسق بخشیدن به امور مالیاتی کشور ایران می باشد مشغول بودند ، در نتیجه اطلاعات ایشان در این زمینه برای روشن شدن هر چه بیشتر زوایای این موضوع از جمله انواع مالیات ها- میزان و چگونگی اخذ آن خیلی مهم می باشد ، قسمت آغازین این مقاله به همین امر پرداخته شده یعنی در این قسمت به شرح زندگانی حمدا... مستوفی با تکیه بر نقش وی در امور حکومتی و دیوانی پرداخته شده است و مشخص می شود که مستوفی تا سال های آخر زندگی خود از نزدیکان خواجه رشیدالدین فضل ... به شمار آمده و به کارهای دیوانی و مالی مشغول بوده است.

در قسمت دوم مقاله به نظام مالیاتی مغولان پرداخته شده با تأکید بر انواع مالیات هایی که در این دوره از رعایا گرفته می شد.

در بخش پایانی نیز با تأکید بر کتاب نزهه القلوب به بررسی مالیات و نحوه اخذ و میزان آنها پرداخته شده در این بخش سعی شده است دلایل نقصان یا بیشتر شدن مالیات ها نیز با توجه به اطلاعات حمدا... مستوفی قزوینی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

در پایان مقاله نیز جدولی تنظیم شده و در این جدول با ذکر اسامی شهرها و ایالات و میزان اخذ مالیات ها به بررسی سیر تطور و تحول مالیات ها در قبل و بعد از حاکمیت ایلخانان پرداخته شده است.

شرح زندگانی حمدا... مستوفی با تکیه بر نقش وی در امور حکومتی و دیوانی و آثار و مؤلفات به جا مانده از ایشان

در باب شرح احوال و سوانح ایام زندگانی حمدا... مستوفی جز آنچه خود او و در ضمن آثارش بیان داشته مطلب قابل اعتنای دیگری از منابع دیگر چه همزمان و چه متأخر او در دست نیست.

نام کامل مورخ نامدار قرن هفتم و هشتم بنا به قول مشهور عبارت است از : حمدا... (حُمد) بن تاج الدین ، ابی بکر بن زین الدین احمد (حُمد) بن امین الدین ابی نصر مستوفی قزوینی. وی از اعضای خاندان مشهور مستوفیان قزوین است که نسبشان به تصریح خودحمدا... در مواضع متعدد به حر بن یزید ریاحی سردار مشهور و آزاده عرب می‌رسد. (مستوفی قزوینی، تاریخ گزیده ۱۳۸۷/۸۱)

حمدا... مستوفی نیز بنا به قول وی در مقدمه کتاب نزه القلوب از جوانی «بر متابعت کار آبا و اجداد یعنی شیوه عمل پیشگی اشتغال می داشت. (مستوفی قزوینی، نزه القلوب، ۱۳۳۶/بیست و سه)

او در سال ۷۱۱ هـ به فرمان خواجه رشید الدین فضل ا... همدانی به پیشکاری امور مالی «قزوین ، زنجان ، ابهر و طارمین» منصوب گردید. اگر چه درباره مناصب و تجارب دیگر نویسنده آگاهی روشنی در دست نیست ، اما بر پایه اطلاعات موجود حمدا... مستوفی تقریباً تا سال های آخر زندگی از نزدیکان خواجه رشید الدین فضل ا... همدانی و فرزندش غیاث الدین محمد وزیر بود و در دستگاه ایلخانی ، مأموریت های مهم مالی چون تنظیم جامع الحساب ممالک ایلخانی و «تقریر اموال بغداد» یافت. (نزه القلوب، همان، ۱۳۳۶/۳۰)

ارتباط حمدا... مستوفی با خواجه رشید الدین فضل ا... که وی را «مخدوم سعید شهید» می خوانند (تاریخ گزیده، همان ۵۶۲) ، به گونه ای است که علاوه بر امور دیوانی در تألیفات مهم تاریخی و جغرافیایی نیز موجب پیروی مستوفی از او شده است.

سفرهای نویسنده به شهرهای مهم قلمرو ایلخانان مانند تبریز ، شیراز ، بغداد و اصفهان بر تجارب و دانش او افزود.

حمدا... مستوفی از شعرا و منشیان مطلع زبان فارسی و از علاقه مندان به وطن خود ایران بوده و از جوانی شوق مفرط به تحصیل اطلاعات تاریخی و مباحثه با فضلا داشته و غالباً با ایشان آمیزش

می کرد، مخصوصاً در دستگاه خواجه رشید الدین که مرکز اجتماع این جماعت بوده از مصاحبت ایشان تمتع بسیار بر می گرفته است و از او سه کتاب معتبر به فارسی در تاریخ و جغرافیا و شعر باقی است. که هر سه از منابع با ارزش تاریخ و جغرافیای ایران به شمار می روند.

نخستین تألیف مهم او یعنی تاریخ گزیده که در سال ۷۳۰ هـ تألیف گردیده و عمده مطالب این تاریخ عمومی مبتنی بر اخبار و گزارش های رشید الدین در جامع التواریخ می باشد. (عباس اقبال، ۵۲۴/۱۳۶۵)

دومین اثر منظومه ای است تحت عنوان ظفرنامه مشتمل بر هفتاد و پنج هزار بیت که در سال ۷۳۵ هجری بعد از اتمام تاریخ گزیده به انجام رسیده است. این منظومه، حاوی تاریخ ایران از ظهور اسلام تا زمان مؤلف است. (عزیزا... بیات، ۱۵۵/۱۳۶۳)

سومین اثر حمدا... نزهه القلوب (nozhatol golub) است که آن را در سال ۷۴۰ هجری قمری تألیف کرده که مشتمل است بر یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه مقدمه کتاب حاوی مطالبی درباره انسان و حیوانات و نباتات و جمادات است. (بیات، همان، ۱۵۶)

مقاله اول از معادن و گیاه و حیوان بحث می کند، مقاله اختصاص به انسان دارد و مقاله سوم خاص جغرافیاست که چهار قسمت دارد؛ اولی از مکه و مدینه سخن می گوید: دومی از ایران گفت و گو می کند، سومی از اقطار مجاور ایران که روزگاری مطیعه آن بوده است و چهارمی از مناطقی که هرگز مطیعه ایران نبوده است بحث کند. در پایان مؤلف از عجایب نواحی مختلف جهان بحث می کند. فصل دوم از مقاله سوم مربوط به ایران از همه قسمتهای دیگر پر ارزشتر است زیرا مبنای آن تنها بر منابع نوشته شده نیست بلکه مشاهدات شخصی نیز ضمن سفرهای اداری در نواحی مختلف ایران مورد استفاده قرار گرفته است. (کراچکوفسکی، ۳۱۱/۱۳۷۹)

مطالب این بخش مربوط به جغرافیای مفصل ایران و متصرفات ایلخانان است. مطالبی را که در مورد جغرافیای اقتصادی ایران نوشته است بیشتر مربوط به زمان خود مؤلف است منبع اطلاعات وی بیشتر دفاتر مالیاتی ایلخانان بوده که خود مؤلف به سمت مأمور عالی رتبه به آنها دسترسی داشته است. (بیات، همان، ۱۵۶)

بخش جغرافیای بلاد ایران در نزه القلوب را می توان دائره المعارف فشرده ای درباره ایالات و شهرهای ایران دانست که بر اساس منابع معتبر گذشته و بررسی ها و آگاهی های شخصی حمدا... مستوفی تنظیم یافته است.

حمدا... مستوفی با توجه به سابقه طولانی حضور خود و خانواده اش در دستگاه حکومتی جزء آگاهترین افراد زمان درباره مسائل مربوط به تقسیمات کشوری و چگونگی اوضاع اجتماعی و اقتصادی ولایات و شهرها به شمار می رفته است.

او به اعتبار نوشته هایش با مسئولان و خبرگان حکومتی به گفت و شنود می پرداخته و اطلاعات لازم را جمع آوری می کرده است.

نظام مالی و مالیاتی مغولان

با توجه به اینکه بیشترین دوران زندگانی حمدا... مستوفی قزوینی (۷۴۰-۶۸۰) در دوره مغولان و ایلخانان سپری شده است. لذا ابتدا به بررسی نظام مالی و مالیاتی دوره مغول می پردازیم. مغولان در ایران علاقه چندانی به تنظیم مالیات نداشته و به مانند فاتحان قبل از خود، خویش را حاکم بر عایدات مملکت می دانستند و به وضع مالیات های دل بخواهی بر مردم می پرداختند. هیچ هماهنگی در تشکیلات مالیاتی ایلخانان وجود نداشت و هر اندازه که می خواستند مالیات را افزایش می دادند و همیشه در صدد بوده تا مردم را هر چه بیشتر بدوشند. (لمبتون، ۲۱۸/۱۳۷۲)

نتیجه گرفته می شود که نظام مالیاتی مغول به مانند نظام حکومتی آن از روش های ایلی و چادرنشینی شکل گرفته بود. اما با ورود به ایران و ممالک دیگر، سنت ها و روش های مالیاتی ملل مغلوب در بین آنان مورد پذیرش واقع شده و تا جایی که منافع آنها را تأمین می کرد به کار گرفته می شد.

بار تولد درباره اعمال و رفتار مأموران مالیاتی، چنین نتیجه می گیرد که علت فقر و ویرانی، افزایش فوق العاده مالیات ها نبوده بلکه شیوه وصول آن بوده است زیرا هیچ تضمینی وجود نداشت که مبالغ پرداختی توسط اهالی بار دیگر از همان مالیات دهندگان مطالبه و وصول

نشود. زیرا وجوه مالیاتی به خزانه ارسال نمی گشت و در نتیجه دولت، محل مزبور را جزء نقاطی که مالیات آنها واصل نشده محسوب می کرده و به دست عوامل دیگر از جمله طلبکاران خزانه می سپرد تا از آن محل طلب خود را وصول کنند. (بارتولد، ۲۸۹/۱۳۵۸)

سپس نتیجه می گیریم که بر سر وصول مالیات توسط عمال و کارگزاران حکومتی هیچ گونه نظام و قانونی وجود نداشت و تنها عملکرد و خود سری های مأموران و عمال حکومتی به عنوان عملکرد صحیح مورد قضاوت قرار می گرفت عطا ملک جوینی نیز که اثرش برای ما در جهت مطالعه و تحقیق پیرامون عصر مغول و ایلخانان از ارزش زیادی برخوردار است در این ارتباط می نویسد:

«به هر کجا که رسیدی و گذر ایشان بودی جماعتی که ایل شدند مالی برد اهالی آن حکم کردی و موضعی که ببأس و قتال بگرفتندی اهالی آن را به شکنجه عقوبت می کردند تا آنچه داشتی بدادی» (جوینی، ۲۶۹/۱۳۸۲).

نتیجه این گونه سیاستهای مالیاتی مغولان سبب می شد تا جلوی هر گونه رشد و گسترش را گرفته و موجب سقوط و زوال اقتصادی شهرها می گشت. مردم بیشتر شهرها از جمعیت فعال تهی، صنایع از رونق افتاده و دیگر قادر نبودند مالیاتی معادل آن چه را که بیشتر پرداخت می شد فراهم کنند. (اشپولر، ۳۱۰/۱۳۶۸)

این حوادث و خرابیها و نابسامانیها در اثر حمدا... مستوفی نیز به خوبی منعکس شده است. در قسمتی از اثر خود مستوفی پس از مقایسه ولایات و شهرها با دوران قبل از حاکمیت مغول و سپس تسلط مغولان نتیجه می گیرد. «شک نیست که خرابی که در ظهور دولت مغول اتفاق می افتد و قتل عامی که در آن زمان رفت اگر تا هزار سال دیگر هیچ حادثه واقع نشدی، هنوز تدارک پذیر نبودی و جهان با آن حال اول نرفتنی که پیش از آن واقعه بود. (موستوفی، نزهه القلوب / همان، ۶۵)

مالیات ها و اقسام و انواع آن در دوره مغولان و ایلخانان

در رابطه با اقسام مالیات ها نظر واحد و تفسیر یکسانی در منابع مشاهده نمی شود و ابهاماتی در خصوص برخی اصطلاحات و معانی کاربردی و نحوه اجرا و جمع آوری مالیات ها در زمان ها و مکان های مختلف وجود دارد.

دلایل این امر را می توان در دو مسئله دانست ابتدا ابهام منابع و نارسا بودن آنها و دوم تفاوت های معنایی یک اصطلاح در زمان ها و مکان های مختلف. (پطروشفسکی، ۶۸۸/۱۳۵۷)

یکی از مالیات هایی که بعد از غلبه مغولان در ایران رایج شد «قبچور یا قپچور» می باشد. افراد این مالیات را در قبال چرای دامهای خود در چراگاه ها پرداخت می کردند.

میزان آن نیز بنا به شرح ابن عبری از هر صد رأس دام یک رأس از همان جنس گرفته می شد و از کسانی که کمتر از صد رأس داشتند چیزی نمی گرفتند. (ابن عبری، ۳۶۲/۱۳۷۷)

لمبتون اخذ مالیات تحت عنوان قبچور را بسیار ظالمانه می داند زیرا اولاً بیش از یکبار در سال اخذ می شده و ثانیاً در هر زمانی که قبچور اصلی کفاف نمی داد و نیازهای جدیدی پیش می آمد قبچورهای دیگری تحمیل می شد.

حمدا... مستوفی نیز در اثر خود تاریخ گزیده اخذ این نوع مالیات ها را اجحاف در حق مردم و عاملی جهت تخریب و ویرانی شهرها می داند و نمونه ای را نیز ذکر می کند و می نویسد چون اکثر بلاد عراق عجم به واسطه مقرری قوبچور خراب شده بود و مردم جلای وطن کرده به مرتبه ای که در قزوین نماز جماعت جمعه حاصل نمی شد خواجه نصیرالدین (صدر جهان) قوبچور از شهرها برداشت و تمغا مقرر کرده از این تدبیر مال مضاعف حاصل می شد و مردم در آسایش و راهها ایمن شد. (موستوفی، تاریخ گزیده، همان ۶۰۴)

یکی دیگر از مالیاتهایی که در زمان مغول اخذ می شد و حمدا... مستوفی نیز در اثر خود نزه القلوب به آن اشاره کرده است مالیاتی تحت عنوان تمغا که مالیات عمده ای بود که از شهرها مأخوذ می شد و یکی از عواید و درآمدهای نقدی و مهم خزانه دولت در عهد مغول بوده است. (همدانی، ۱۴۴۸/۱۳۷۳)

این نوع مالیات شامل مالیات ، از کارگاه های صنعتی و بازرگانی و انواع مصنوعات شهری ، خرید و فروش و هر آنچه را برای عرضه دولت در شهر می آوردند، بوده است.

این نوع مالیات در بعضی از ایام به جای مالیات بر سرمایه به کار می رفته است. (لمبتون، مالک و زارع، ۱۷۸/۱۳۷۷)

میزان تمغا در ابتدای ورود مغولان به ایران از هر ۲۴۰ دیناریک دینار و بعدها از هر ۱۲۰ دینار یک دینار جمع آوری می شد. در پایان فتوحات مغولان نرخ تمغا ده درصد ارزش هر معامله تجاری و در عهد غازان خان در برخی شهرها به نصف این میزان رسید و در بعضی دیگر از شهرها نیز بواسطه خرابی و ویرانی برای مدتی حذف گردید. (رشیدوو، ۱۵۸/۱۳۶۸)

بارتولد مالیات تمغا را یکی از منابع عمده درآمد خزانه دولت دانسته که بیشتر بر شهروندان و یکجانشینان وضع شده بود. بنابراین چشم پوشی و منسوخ کردن این مالیات از سوی مغولان را بسیار نا محتمل می داند. (بارتولد، همان ۲۹۷)

مالیات های دیگری که در زمان مغول مرسوم شده و از قبل آن وجوهاتی از مردم چه بصورت نقدی و چه به صورت جنسی اخذ می شد فهرست وار عبارت بود از :

۱- قلان ، در منابع دوره مغول اطلاعات شخصی و دولتی در این رابطه موجود نیست از مکاتبات رشیدی می توان دریافت که قلان مالیاتی بوده که از جهت مخارج امرای لشکری در لشکرکشی ها و ضیافت ها اخذ می گردید. (همدانی، مکتوبات رشیدی، ۱۲۲-۲۳/۱۳۶۴)

۲- برات ، اجازه نامه هایی بود که به شاهزادگان و خاتونان و امیران و مأموران مغولی داده می شد جهت وصول مواجب و مستمری خویش از محل مالیات های ایالات و ولایات

۳- طرح ، کاربردهای مختلفی داشته است از همه مهم تر خرید نقدی غلات و دیگر محصولات انبارها و مخازن دولتی به قیمتی که مقامات دولت تعیین می کردند. (پطرو شففسکی، تاریخ ایران کمبریج، ۵۰۴/۱۳۶۶)

۴- اخراجات ، گروهی از مالیات ها است که برخی از آنها نیز دائمی بوده اند و برای تأمین مخارج و نگهداری عمال مختلف دستگاه دولت و پرداخت هزینه مسافرت های ایشان از رعایا و توسط دولت و یا امیران محلی اخذ می شده است. (پطرو شففسکی، کشاورزی، همان / ۱۲۳)

- ۵- عوارض ، مالیات خاص دیگری بود که به منظور تأمین مخارج فوق العاده از قبیل جنگ و جشن ها و تشریفات خانوادگی و درباری و مانند آن اخذ می شده است.(همدانی مکتوبات / ۱۲۱)
- ۶- علفه و علوفه ، اصطلاح مالیاتی دیگری بوده است که به معنی گردآوری آذوقه و علوفه برای سرکردگان لشکری و سپاه مغولی در هر ناحیه ای که حضور می یافتند بوده است.
- ۷- ثمار ، مالیات بر درختان بارور و مترادف مالیات باغ شماره که در دستور الکاتب از آن یاد شده است. رشید الدین فضل ا... در مکاتبه خود به فرزندش حاکم خوزستان ثمار را در کنار تمغا آورده که به صورت نقدی دریافت می شده است.
- ۸- «بیغار» در نظام مالیاتی مغول نوعی از پرداخت بهره به وسیله کار بوده است. که در کنار پرداخت بهره به صورت محصول از رعایا اخذ می شد.
- ۹- «ساوری» به معنای پیشکش اجباری بوده است. رعایا ملزم بودند در بدو ورود ایلخان ، اعضای خاندان او ، اعیان و بزرگان ، حکام و مأموران عالی رتبه لشکری و کشوری ، هدایایی تقدیم کنند. در این میان سخت ترین نوع تحمیلات مالیاتی به رعایای شهری و روستایی «حق اقامت یا نزوله» بوده است. مردم مجبور بودند از صاحبان مناصب لشکری و کشوری ، ایلچیان امرا ، با سقاقان و بزرگان و اطرافیان ایشان برای مدت نامعلومی در خانه خویش پذیرایی کنند و منزل و اثاثیه در اختیار ایشان بگذارند و هر گونه وسایل آسایش و خوشی ایشان را فراهم سازند.
- این برای مردم مصیبتی واقعی به شمار می رفت. بعضی ایام صد ها خانه را اشغال می کردند و اموال صاحب خانه را غارت می نمودند تا جایی که مردم ناچار و به عمد خانه های خود را به حال نیمه ویران نگاه می داشتند تا مانع ورود امیر و اطرافیان او در آن منزل شوند.(پیگولوسکایا، ۱۳۶۳/۶۲-۳۶۱)
- مالیات های دیگری نیز توسط مغولان از مردم اخذ می شد چون عمومیت نداشته و از اهمیت کمتری برخوردار است در اینجا ذکری از آنها نشده است.

یک نوع مالیات نیز مربوط به دوره مغول نبوده بلکه از قبل از مغول در ایران رایج و متداول بوده که عبارتست از «خراج یا مالیات ارضی» بود که به دو صورت جنسی و نقدی از رعایا اخذ می شد. این نوع مالیات منبع عمده هزینه امپراتوری مغولان بود که در عهد عباسیان نیز رواج

داشت، میزان آن هم در حد یک دهم (عشر) تا یک بیستم (نصب عشر) بنا به توان مالیات دهنده و کیفیت اراضی تعیین می گردید. (رشیدو، همان/ ۱۵۹)

مالیات ایران و شهرهای آن بر اساس اطلاعات و داده های نزه القلوب حمدا... مستوفی

موضوع مهمی که در فصل های مختلف مورد توجه نویسندگان نزه القلوب قرار گرفته مالیات ایران و ایالات و شهرهای آن می باشد.

حمدا... مستوفی مالیات را یکی از شاخص های مهم ارزیابی آبادانی و رونق زندگی در ایران می داند. بر پایه گزارش او حقوق دیوانی ایران زمین تا دوره غازان (۷۰۳-۶۹۴ هـ) با کسر خراسان یک هزار و هفتصد و چند تومان (بیش از هفده میلیون دینار) بود. (مستوفی، نزه القلوب، همان / ۲۷ و ۲۸) (و لمبتون، تداوم و همان / ۱۷-۲۱۶)

این میزان به دلیل عدل غازان که موجب آبادانی ولایات شد به مبلغ دو هزار و صد تومان و کسری (بیش از بیست و یک میلیون دینار) رسید. (همان / ۲۸)

در اینجا لازم به ذکر است که اطلاعات و اخبار قابل توجه نزهت القلوب مربوط به توصیف اوضاع بلاد ایران در دوره ایلخانی به ویژه در نیمه نخست سده هشتم هجری است.

بخش بندی بلاد ایران در نزه القلوب در بیست باب مبتنی بر تقسیمات کشوری دوران ایلخانان است. یکی از مهمترین امتیازات نزه القلوب ارائه کامل ترین تقسیمات ایالات و واحدهای کوچکتر سیاسی و اداری در قلمرو ایلخانان است که با تقسیم کشوری و فرستادن حکام و والیان در این دوره هماهنگ است. (عباس زریاب خویی / ۱۳۶۶ / ۳)

تقسیمات داخلی ایالات به واحدهای کوچک تر در بسیاری از مناطق تقریباً همان تقسیمات قبل از مغول است، اما در برخی ایالات به واحد جدید «تومان» برخورد می کنیم. ایالات عراق عجم به نه تومان، آذربایجان به نه تومان و مازندران به هفت تومان تقسیم می شوند. (مستوفی، نزه القلوب، همان / ۵۱ و ۸۵، ۱۹۷)

تومان به مغولی به مفهوم ده هزار است که در لشکر به معنی ده هزار سپاهی و در امور مالی به معنی ده هزار دینار است. اما در تقسیمات جغرافیایی روشن نیست و شاید نوعی تقسیم بر مبنای آمار و مالیات باشد. (زریاب خویی، همان / ۲۹)

در عراق عجم ، اصفهان و توابع آن دو تومان بود.(مستوفی ، نزه القلوب / ۵۲)
تومانین اصفهان شامل سه شهر اصفهان ، فیروزان و فارفا آن و هشت ناحیه و چهارصد پاره دیه
است.(همان/۵۲و۵۴)

مستوفی واحدهای کوچکتر هر ایالات مانند ولایات و شهرها را با بیان دار الملک آن آغاز می کند
و سپس به بقیه شهرها و ولایات بر اساس ترتیب حروف الفبا می پردازد.

فقط در ایالات عراق عرب ابتدا از کوفه شروع می کند و سپس به بیان بغداد که دار الملک آن
ایالات در دوره ایلخانی بود می پردازد و در این باره می نویسد : «چون کوفه دار الملک و مدفن
حضرت امیر المؤمنین علی مرتضی (رضع) است.(همان / ۳۱)

با توجه به اینکه در دوره سلاطینی مانند غازان خان - اولجایتو اوضاع مالی سر و سامان
پیدا می کند و اخذ مالیاتها نیز متعادل شده و مردم نیز آنچنان در فشار و سختی نبودند ولی
باید یادآور شویم که زمان تألیف نزه القلوب (۷۴۰ هـ) دوران آشفتگی ایران پس از مرگ ابوسعید
ایلخانی می باشد. در این ارتباط حمدا... مستوفی می نویسد «و اکنون همان نیمه آن نباشد چه اکثر
ولایات از تحکیمات و تردد لشکرها بر افتاد و دست از زرع باز داشتند.(مستوفی / نزه القلوب /
۲۸) سپس به مقایسه مالیات دوره مغول با قبل از آن می پردازد و با بیان جمع حساب مملکت
ساسانی که در سال هجدهم پادشاهی خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ م) مقارن ظهور اسلام ، چهارصد باز
هزار و بیست هزار دینار زر سرخ معادل هشتاد هزار و چهارصد تومان زمان نویسنده
(هشتصد میلیون و چهار هزار دینار) بود.

می نویسد : «خرابی و آبادانی جهان از این قیاس می توان کرد.(همان/۲۸) «و درباره التیام ناپذیری
خرابی ها ناشی از حمله مغول و پریشانی ایران در اواخر دوره ایلخانی و زمان تدوین کتاب می
نویسد : «و شک نیست که خرابی که در ظهور دولت مغول اتفاق افتاد و قتل عامی که در آن زمان
رفت ، اگر تا هزار سال دیگر هیچ حادثه واقع نشدی هنوز تدارک پذیر نبودی و جهان با آن حال
اول نرفتی که پس از آن واقعه بود علی الخصوص در این زمینه از کثرت وقوع حدثان :

هر روز که بگذرد خوشا اندوه دی هر سال که نو شود خوشا غارت پار

و رد خلائق باشد.(همان / ۲۸)

حمدا... مستوفی در شرح ابواب بیست گانه قلمرو ایلخانی نیز در مقدمه هر بخش به بیان میزان حقوق دیوانی ایالات می پردازد و در برخی ایالات با مقایسه میزان مالیات و حقوق دیوانی آن ایالت در دوره تدوین کتاب ، با دوره اعتلای عهد ایلخانی یا دوره های قبل ، عدل را مایه آبادانی و عمران و افزایش درآمدهای مالیاتی دیوان می شمارد.

به هر روی آن گونه که گفته شد یکی از امتیازات مهم نزه القلوب اطلاعات نسبتاً دقیق و ارزشمند آن درباره مالیات و حقوق دیوانی ایالات قلمرو ایلخانی و واحدهای کوچک تر آن مانند شهرها و ولایات مختلف است. اطلاعات نویسنده به سبب اشتغال او در مشاغل مالی و استیفا و آشنایی با دستگاه دیوانی و مالی درباره مالیات و حقوق دیوانی نواحی شهرها و نوع مالیات ها دارای ارزش بسیاری است.

برخی اطلاعات او درباره مالیات ایالات در دوره های پیشین مبتنی بر آرشیو و اسناد مالی ایالات است (اللهیاری فریدون/ ۱۳۸۳/ ۹۰) و از ارزش ویژه ای برخوردار است.

به طور نمونه درباره بغداد که مدتی نویسنده منصب تقریر اموال آن را بر عهده داشته است می نویسد: «و من در بغداد به وقت آنکه تقریر اموال آنجا می کردم نسخه قانونی دیدم که در عهد ناصر خلیفه نوشته شده ...» (مستوفی/ نزه القلوب، همان/ ۳۰).

محتوای نزه القلوب و اطلاعات آن درباره مالیات ایالات مختلف قلمرو ایلخانی نشان می دهد که نویسنده در برخی ایالات با دقت بیشتری به میزان مالیات واحدهای کوچک تر آن ایالت مانند شهرها و ولایات پرداخته است.

اطلاعات او درباره شهرها و ولایات عراق عجم ، آذربایجان ، روم ، ارمنستان و دیار بکر و ربیع تا حدودی دقیقتر از سایر ایالات است زیرا در این ایالات به شرح جزئی تر و دقیق تری درباره مالیات شهرهای مختلف و توابع آنها می پردازد. به ویژه در باره نوع مالیات شهرها مشخص می کند که در حدود بیست و یک شهر از شهرهای ایران ، نوع مالیات و حقوق دیوان به صورت «تمغا» بود. همانطور که قبلاً اشاره شده «تمغا» نوعی مالیات بر مال التجاره و خدمات بود که بازرگانان و پیشه وران شهری می پرداختند. (دیوید مورگان، ۱۳۷۱/ ۲۸ و لمبتون ف همان/ ۲۲۳)

مالیاتی بود که مغولان برای اولین بار متداول کردند و با نرخ ۲/۵ درصد بر جای زکوه اسلامی نشسته بود. (پطروشفسکی، تاریخ اجتماعی، همان/۶۲)

بر پایه گزارش مستوفی، این نوع مالیات بیشتر در شهرهای عراق عجم، عراق عرب و آذربایجان متداول بود. اغلب مالیات شهرهایی که به صورت تمغا بود به طور مجزا جدای از حقوق دیوانی سایر دیه ها و ولایات تابعه گزارش شده است. اما در برخی شهرها مانند قم، کاشان و یزد که مالیات آن به صورت تمعنا بود جمع حقوق دیوانی شهر و توابع در متن نزهت القلوب ذکر شده است. (مستوفی، نزه القلوب، همان/۷۴ و ۷۵ و ۸۴)

برخی مراکز شهری که در کنار شهرهای مهم و بزرگ قرار داشتند و مالیات آنها به صورت تمغا بود، مالیات آنها در صورت تمغای شهر بزرگتر محاسبه می شد مانند فیروزان که داخل تمعناى اصفهان بود و انبار (همان/۵۶) که داخل تمغای بغداد بود. (همان/۳۸)

شهر سلطانیه پایتخت اولجایتو و ابو سعید که مالیات آن به صورت تمغا بود، هنگام تدوین نزهت القلوب، اگر اردو حضور داشت، مالیات آن در حدود سی تومان (۳۰۰.۰۰۰ دینار) و در هنگام عدم حضور اردوی ایلخانی بیست تومان (۲۰۰.۰۰۰ دینار) بود. (همان/۶۰) مستوفی در مورد سایر ایالات قلمرو ایلخانی تنها به بحث درباره مالیات آنها پرداخته است. حقوق دیوانی ایالت قومس و طبرستان در دوره ایلخانی داخل خراسان بود. به قول حمدا... مستوفی در زمان دولت مغول چون اکثر اوقات وزراء و کتاب دیوانی اعلی خراسانی بوده اند خراسان و قهستان و قومس و مازندران و طبرستان را مملکتی علییده گرفته اند و حسابش جداگانه کمتر چیزی به پادشاهان عرض می کرده و بدین حيله هر سال به مدد خرج لشکر خراسان بیست تومان از این ولایات می ستده اند. (همان/ ۱۸۱) بر پایه گزارش او این وضع تا دوران ابو سعید ادامه داشت و در این دوره خواجه غیاث الدین محمد فرزند خواجه رشیدالدین به تنظیم هزینه های لشکر و امور و مصالح خراسان و محاسبه حقوق دیوانی آن ایالت در وجه خزانه و داخل محاسبات کشور پرداخت اما «زمان امانش نداد و بر آن قرار نماند» (همان/ ۱۸۱).

نتیجه گیری :

حمدا... مستوفی قزوینی مالیات را یکی از شاخص های مهم ارزیابی آبادانی و رونق زندگی در ایران می داند. ارزش اثر حمدا... مستوفی یعنی نزه القلوب در این امر نهفته است که زمان تألیف کتاب (۷۴۰ هـ) مصادف با دوران آشفتگی ایران پس از مرگ ابو سعید ایلخانی می باشد و به خوبی می توان با دوران سلاطین قبلی یعنی غازان- اولجاتیو مقایسه کرد و در این مقایسه به خوبی مشخص می شود که چگونه مردم در آن زمان در رابطه با اخذ مالیات ها راحت بوده ولی در زمان تألیف اثر مردم بر اثر ظلم و اجحاف مؤدیان مالیاتی و بالا رفتن میزان مالیات ها در رنج و عذاب به سر می برند.

به طوری که حمدا... در اثر خود می نویسد «و اکنون همانا نیمه آن نباشد چه اکثر ولایات از تحکمت و تردد لشکرها بر افتاد و دست از زرع باز داشتند». (مستوفی، نزه القلوب/۲۸)

نام شهر	حقوق دیوانی در گذشته	حقوق دیوانی در حال حاضر	صفحه
اصفهان	در سال ۳۰۵ خانی سی و پنج تومان	به تمغا مقرر است و پنجاه تومان است	۹۱
تومان ری		هفتصد تومان	۹۴
ری		پانزده تومان و یکهزار و پانصد دینار است	۹۶
سلطانیه		به تمغا با وجود اردو سی تومان بدون اردو بیست تومان	۹۷
قزوین		به تمغا مقرر است پنج تومان و نیم	۱۰۱
زنجان		به تمغا مقررات و دوازده هزار دینار	۱۰۴
قم		به تمغا و چهار تومان	۱۱۰
کاشان		به تمغا مقرر است یازده تومان و هفت هزار دینار	۱۱۱
همدان		به تمغا مقرر است ده تومان و نیم	۱۱۵

* منبع : مستوفی قزوینی حمدا... ، نزه القلوب به تصحیح محمد دبیر سیاقی ، تهران : انتشارات

حدیث امروز ، ۱۳۸۸ (چاپ سوم)

بررسی نظام مالیاتی ایران در عصر ایلخانی با تکیه بر گزارش هایکتاب نزه القلوب حمدا... مستوفی قزوینی

نام شهر	حقوق دیوانی در گذشته	حقوق دیوانی در حال حاضر	صفحه
شیراز		به تمغا مقرر است و چهارصد و پنجاه هزار دینار ضممانی آنجاست	۱۷۰
شبانکاره	در عهد سلاجقه بالای دویست تومان این زمان بوده است.	بیست و شش تومان و شش هزار و پانصد دینار	۱۹۷
کرمان - مکران هرموز	در عهد سلاجقه هشتصد و هشت هزار دینار بوده است.	شصت و هفت تومان و شش هزار و پانصد دینار	۲۰۰
قوس و طبرستان		حقوق دیوانی آنجا داخل خراسان است	۲۲۸
جیلانات		حقوق دیوانی هر جیلانی بدان امیری تعلق دارد که حاکم آنجاست اما آنچه به دیوان مغول می دهند دو تومان است.	۲۳۰
خراسان	در زمان سابق داخل ایران بوده و در عهد طاهریان قریب هزار تومان بوده است در زمان دولت مغول چون اکثر اوقات وزراء و کتاب دیوان اعلی خراسانی بوده اند خراسان و قهستان و قومس و مازندران و طبرستان را مملکتی علی حده گرفته و حسابش جداگانه نه کمتر چیزی بر پادشاهان عرضه میگردند و به مدد خرج لشکر هر ساله بیست تومان از این ولایات می ستانده اند.		۳۱۱
مازندران		هفت تومان است و حقوق دیوانیش در مملکت خراسان است.	۲۲۵

نام شهر	حقوق دیوانی در گذشته	حقوق دیوانی در حال حاضر	صفحه
اردبیل		۸۵۰۰۰ هزار دینار بر روی دفاتر	۱۲۸
تومان مراغه		صد و هشتاد و پنج هزار و پانصد دینار	۱۳۴
تومان مرند		چهل هزار و هشتصد دینار	۱۳۶
تومان اران وموغان	در عهد اتابکان زیاده از سیصد تومان این زمان بوده است.	سی تومان و سه هزار دینار است که بر روی دفتر آماده است.	۱۳۸
شیروان	در عهد خوانیق شروان صد تومان	یازده تومان و سه هزار دینار بر روی دفاتر است.	۱۴۱

نام شهر	حقوق دیوانی در گذشته	حقوق دیوانی در حال حاضر	صفحه
گشتاسفی	به زمان سابق بیش از ظهور دولت مغول کمابیش صد تومان این زمان بوده است.	صد و هفده هزار و پانصد دینار	۱۴۲
انجاز و گرجستان	در عهد ملوک آنجا قریب پانصد تومان این زمان.	صد و بیست تومان و دو هزار دینار	۱۴۳
اماکن ملک دوم	در زمان سلاجقه زیادت از یک هزار و پانصد تومان این زمانی بوده است.	سیصد و سی تومان بر روی دفتر	۱۴۵
ولایت ارمن	قریب دویست این زمان بوده است.	سه تومان سرسبیل جیل خراج به ایران میدهند. اکنون سی ونه تومان است.	۱۵۳
دیار بکرو ریبعه	در عهد اتابکان تا زمان بدرالدین لول مبلغ یک هزار تومان	اکنون صد و نود و دو تومان و نیم	۱۵۶

نام شهر	حقوق دیوانی در گذشته	حقوق دیوانی در حال حاضر	صفحه
یزد		به تمغا مقرر است بیست و پنج تومان و یکهزار دینار است	
تبریز		به تمغا مقرر است، هشتصد و هفتاد تومان و پنج هزار دینار بر روی دفاتر دیوانی ثبت است.	۱۲۵
کردستان	در زمان سلیمان شاه ایوبه قریب دویست تومان این زمان بوده است	بیست تومان و یک هزار و پانصد دینار	۱۶۲
خوزستان	در زمان خلفاء زیادت از سیصد تومان این زمان بوده است.	سی و دو تومان ونیم بر روی دفتر است	۱۶۵
فارس	در عهد عمر و حضرت علی و دیگر خلفا به مقاسمه بوده در عهد واثق سی و سه هزار درهم و صد و پنجاه هزار غله در سال ۳۰۲ علی بن عینی به فرمان مقتدر خلیفه آن را خراج معین مقرر گردانید. مبلغش شصت و سه بار هزار هزار درهم که یکهزار و پنجاه تومان این زمان است.	دویست و هشتاد و هفت تومان و یکهزار و دویست دینار رایج است.	۱۶۹
		هم بر و هم بحر در زمان آل‌بویه پنجاه و پنج بار هزار دینار حاصل داشت و ایشان با دارالخلافه هشت صد هزار دینار حساب کردند و اکثر اوقات نیز ندادندی در عهد سلاجقه جهت تردد، عساکر در کشورگشایی تا مبلغ دوپار هزار هزار و سیصد و سی و پنج هزار دینار رایج بوده که هم بدان نزدیک است.	

نام شهر	حقوق دیوانی در گذشته	حقوق دیوانی در حال حاضر	صفحه
کوفه		به تمغا مقرر است.	
بغداد		به تمغا مقرر است و تقریباً هشتاد تومان	
بصره		چهل و چهار تومان و یکهزار دینار رایج است.	۷۸-۷۹
ولایت عراق	در سال (۳۰۵) خانی سی و پنج تومان به جامع الحساب درآمد و نسخه ای به خط پدر جدم مرحوم امین الدین نصرمستوفی در عهد سلاجقه دو هزار و پانصد و بیست تومان	با تخریب ولایات به نه تومان است و در آن چهل پاره شهر.	

منابع و مأخذ:

- ۱- اسپولر، برتولد (۱۳۶۸)، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمد میر آفتاب، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۲- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵)، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری (چاپ ششم)، امیر کبیر، تهران.
- ۳- ابن العبری، الگوریگو ریوس (۱۳۷۷)، مختصر تاریخ الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۴- بارتولد، واسیلی ولادیمیر (۱۳۵۸)، گزیده مقالات تحقیقی، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۵- بیات، عزیز ا... (۱۳۶۳)، شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران ج ۱، امیرکبیر، تهران.
- ۶- پطروشفسکی و دیگران (۱۳۶۶)، تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات اطلاعات، تهران.
- ۷- پطروشفسکی، آی. پی (۱۳۵۷)، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات نیل، تهران.
- ۸- پطروشفسکی (۱۳۶۶)، و دیگران، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، ج ۵، امیرکبیر، تهران.
- ۹- پیگولوسکایا و دیگران (۱۳۶۳)، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران.
- ۱۰- رشیدو، پی، س (۱۳۶۶)، سقوط بغداد و دوران حکمروایی مغولان در عراق، ترجمه اسدا... آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- ۱۱- کراچکوفسکی (۱۳۷۹)، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۱۲- لمبتون، آن (۱۳۷۷)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۱۳- لمبتون (۱۳۷۲) تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، نشر نی، تهران.

- ۱۴- مستوفی قزوینی (۱۳۸۷)، حمدا... تاریخ گزیده، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۱۵- مستوفی قزوینی، حمدا... (۱۳۶۶) نزهت القلوب، به کوشش محمود دبیر سیاقی، کتابخانه طهوری، تهران
- ۱۶- مورگان، دیوید (۱۳۷۱)، مغولها، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران.
- ۱۷- همدانی، رشیدالدین فضل ا... (۱۳۶۴) مکتوبات رشیدی، به سعی و اهتمام محمد شفیع، پنجاب.
- ۱۸- همدانی، رشیدالدین فضل ا... (۱۳۷۳) جامع التواریخ، تصحیح، محمد روشن و مصطفی موسوی، نشر البرز، تهران.
- ۱۹- جوینی، علاء الدین عطا ملک (۱۳۸۲)، تاریخ جهانگشا، بر سعی و اهتمام محمد قزوینی ج ۳، دنیای کتاب، تهران.
- ۲۰- اللهیاری، فریدون، ایران و شهرهای قلمرو ایلخانی در نزهه القلوب، نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (تیر و مرداد ۸۳)، ص ۹۰.
- ۲۱- زریاب خویی، عباس، سازمان اداری ایران در زمان حکومت ایلخانان، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال دوم ش اول، پاییز و زمستان ۱۳۶۶